

عبدالعظیم (ع)

عبدالعظیم علیه السّلام فرزند عبدالله بن علی، از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السّلام است و نسبش با چهار واسطه به آن حضرت می رسد. پدرش عبدالله نام داشت و مادرش فاطمه دختر عقبه بن قیس. ولادت با سعادت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام در سال ۱۷۳ هجری قمری در شهر مقدّس مدینه واقع شده است و مدّت ۷۹ سال عمر با برکت او با دوران امامت چهار امام معصوم یعنی امام موسی کاظم علیه السّلام، امام رضا علیه السّلام، امام محمدتقی علیه السّلام و امام علیّ النّقی علیه السّلام مقارن بوده، محضر مبارک امام رضا علیه السّلام، امام محمدتقی علیه السّلام و امام هادی علیه السّلام را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است. این فرزند حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم، از آنجا که از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السّلام است به حسنی شهرت یافته است. حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السّلام از دانشمندان شیعه و از راویان حدیث ائمه معصومین علیهم السّلام و از چهره های بارز و محبوب و مورد اعتماد، نزد اهل بیت عصمت علیهم السّلام و پیروان آنان بود و در مسایل دین آگاه و به معارف مذهبی و احکام قرآن، شناخت و معرفتی وافر داشت. ستایشهایی که ائمه معصومین علیهم السّلام از وی به عمل آورده اند، نشان دهنده شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست؛ حضرت امام هادی علیه السّلام گاهی اشخاصی را سؤال و مشکلی داشتند، راهنمایی می فرمودند که از

حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السّلام بپرسند و او را از دوستان حقیقی خویش می شمردند و معرفی می فرمودند. در آثار علمای شیعه نیز، تعریفها و ستایشهای عظیمی درباره او به چشم می خورد، آنان از او به عنوان عابد، زاهد، پرهیزکار، ثقه، دارای اعتقاد نیک و صفای باطن و به عنوان محدثی عالیمقام و بزرگ یاد کرده اند؛ در روایات متعددی نیز برای زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام، ثوابی همچون ثواب زیارت حضرت سید الشهداء، امام حسین علیه السّلام بیان شده است. زمینه های مهاجرت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام از مدینه به ری و سکونت در غربت را باید در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر جستجو کرد؛ خلفای عباسی نسبت به خاندان حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان ائمه علیه السّلام بسیار سختگیری می کردند، یکی از بدرفتارترین این خلفاء متوکل بود که خصومت شدیدی با اهل بیت علیهم السّلام داشت، و تنها در دورت او چندین بار مزار حضرت امام حسین علیه السّلام را در کربلا تخریب و با خاک یکسان ساختند و از زیارت آن بزرگوار جلوگیری به عمل آوردند.

سادات و علویون در زمان او در بدترین وضع به سر می بردند. حضرت عبدالعظیم علیه السّلام نیز از کینه و دشمنی خلفا در امان نبود و بارها تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند و گزارشهای دروغ سخن چینان را بهانه این سختگیری ها قرار می دادند، درچنین دوران دشوار و سختی بود که حضرت عبدالعظیم علیه السّلام به خدمت

حضرت امام هادی علیه السلام رسید و عقاید دینی خود را بر آن حضرت عرضه کرد، حضرت امام هادی علیه السلام او را تأیید فرموده و فرمودند: تو از دوستان ما هستی.

دیدار حضرت عبدالعظیم علیه السلام در سامرا با حضرت امام هادی علیه السلام به خلیفه گزارش داده شد و دستور تعقیب و دستگیری وی صادر گشت، او نیز برای مصون ماندن از خطر، خود را از چشم مأموران پنهان می کرد و در شهرهای مختلف به صورت ناشناس رفت و آمد می کرد و شهر به شهر می گشت تا به ری رسید و آنجا را برای سکونت انتخاب کرد. علت این انتخاب به شرایط دینی و اجتماعی ری در آن دوره بر می گردد که وقتی اسلام به شهرهای مختلف کشور ما وارد گشت و مسلمانان در شهرهای مختلف ایران به اسلام گرویدند، از همان سالها ری یکی از مراکز مهم سکونت مسلمانان شد و اعتبار و موقعیت خاصی پیدا کرد. زیرا سرزمینی حاصلخیز و پر نعمت بود، عمر سعد هم به طمع ریاست یافتن بر ری در حادثه جانسوز کربلا، حضرت حسین بن علی علیه السلام را به شهادت رساند. در ری هم اهل سنت و هم از پیروان اهل بیت علیهم السلام زندگی می کردند و قسمت جنوبی و جنوب غربی شهر ری بیشتر محل سکونت شیعیان بود.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام به صورت یک مسافر ناشناس، وارد ری شد و در محله ساربانان در کوی سکه الموالی به منزل یکی از شیعیان رفت، مدتی به همین

صورت گذشت . او در زیرزمین آن خانه به سر می برد و کمتر خارج می شد ، روزها را روزه می گرفت و شبها به عبادت و تهجد می پرداخت، تعداد کمی از شیعیان او را می شناختند و از حضورش در ری خبر داشتند و مخفیانه به زیارتش می شتافتند، اما می کوشیدند که این خبر فاش نشود و خطری جان حضرت را تهدید نکند . پس از مدتی، افراد بیشتری حضرت عبدالعظیم علیه السلام را شناختند و خانه اش محل رفت و آمد شیعیان شد، نزد او می آمدند و از علوم و روایاتش بهره می گرفتند و عطر خاندان عصمت علیهم السلام را از او می بوئیدند و او را یادگاری از امامان خویش می دانستند و پروانه وار گرد شمع وجودش طواف می کردند .

حضرت عبدالعظیم علیه السلام میان شیعیان شهرری بسیار ارجمند بود و پاسخگویی به مسایل شرعی و حل مشکلات مذهبی آنان را برعهده داشت؛ این تأکید ، هم گویای مقام برجسته حضرت عبدالعظیم علیه السلام است و هم می رساند که وی از طرف حضرت امام هادی علیه السلام در آن منطقه ، وکالت و نمایندگی داشته است؛ مردم سخن او را سخن امام علیه السلام می دانستند و در مسایل دینی و دنیوی ، وجود او محور تجمّع شیعیان و تمرکز هواداران اهل بیت علیهم السلام بود. روزهای پایانی عمر پربرکت حضرت عبدالعظیم علیه السلام با بیماری او همراه بود، آن قامت بلند ایمان و تلاش، به بستر افتاده بود و پیروان اهل بیت در آستانه محرومیت از وجود پربرکت این سید کریم قرارگرفته بودند، اندوه مصیبتهای پیاپی مردم و

روزگار تلخ شیعیان در عصر حاکمیت عباسیان برایش دردی جانکاه و مضاعف بود؛ در همان روزها یک رویای صادقانه حوادث آینده را ترسیم کرد: یکی از شیعیان پاکدل ری، شبی در خواب حضرت رسول صلی الله علیه وآله و سلم را در خواب دید. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: فردا یکی از فرزندانم در محله سکه المولی چشم از جهان فرو می بندد، شیعیان او را بردوش گرفته به باغ عبدالجبار می برند و نزدیک درخت سیب به خاک می سپارند.



سحرگاه به باغ رفت تا آن باغ را از صاحبش بخرد و افتخار دفن شدن یکی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نصیب خویش سازد، عبدالجبار که خود نیز خوابی همانند خواب او را دیده بود، به رمز و راز غیبی این دو خواب پی برد و برای اینکه در این افتخار، بهره ای داشته باشد، محل آن درخت سیب و مجموعه باغ را وقف کرد تا

بزرگان و شیعیان در آنجا دفن شوند. همان روز حضرت چشم از جهان فرو بست. خبر درگذشت این نواده رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم دهان به دهان گشت و مردم با خبر شدند و جامه های سیاه پوشیدند و بر در خانه حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام گریان و مویه کنان گرد آمدند؛ پیکر مطهر او را غسل دادند، به نقل برخی مورخان در هنگام غسل، در جیب پیراهن او کاغذی یافتند که نام و نسب خود را در آن نوشته بود؛ بر پیکر او نماز خواندند، تابوت او را بردوش گرفتند و با جمعیت انبوه عزادار به سوی باغ عبدالجبار تشییع کردند و پیکر مطهرش را در کنار همان درخت سیب که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم به آن شخص اشاره کرده بود، دفن کردند تا پاره ای از عترت مصطفی صلی الله علیه وآله و سلم در این باره به امانت بماند و نورافشانی کند و دلباختگان خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم از مزار این ولی خدا فیض ببرند.

روایات حضرت عبدالعظیم

حضرت عبدالعظیم علیه السلام به عنوان یکی از محدثین مشهور، روایات متعددی را از معصومین (علیهم السلام) نقل نموده است. در این مقال به ذکر برخی از احادیث مذکور می پردازیم .

حضرت عبدالعظیم علیه السلام با چند واسطه از قول اسباط گوید:

در خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودم . مردی از وی درباره آیه شریفه (ان فی ذالک لآیات للمتوسمین .. و انها لسبیل مقیم) سوال می کرد ، راوی گفت: حضرت بدو فرمودند : مقصود از متوسمین ما هستیم و سبیل مقیم نیز راهی است که ما آن را پیا داشته ایم ، یعنی باید از طریق ما بروند تا به سر منزل مقصود برسند . حضرت عبدالعظیم علیه السلام از امام رضعلیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمود: سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو در دلهای خود از برای شیطان راهی باز نکنند و آنها را امر کن به راستگوئی در گفتار و ادای امانت و این عمل آنها موجب نزدیکی به من می شود.

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از حضرت جواد علیه السلام ، ایشان از پدرش و او از جدش روایت کرده که فرمود : از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: سرپیچی از فرمان و دستورات پدر و مادر از گناهان بزرگ است زیرا

خداوند (عاق) را ستمگر و بدبخت معرفی فرموده و او را به سخت ترین عذابها وعده داده است.

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام فرمود: به حضرت جواد علیه السّلام عرض کردم ، از پدران برای من حدیثی روایت فرما ، حضرت فرمود ، پدرم از جدش و او از پدران از حضرت امیر المومنین علیه السّلام روایت کرده که فرمود: شما هرگز نمی توانید مردم را بوسیله ثروت و مالی که در دست دارید به خود متوجه سازید ، بلکه آنان را بوسیله اخلاق و روش صحیح به خود نزدیک کنید. گوید عرض نمودم بیشتر بیان نمائید ، فرمودند : بد توشه ای است برای روز قیامت دشمنی کردن با بندگان خدا....حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام فرمود ، از حضرت ابوالحسن هادی علیه السّلام شنیدم می فرمود : مقصود از (رحیم) از رحمت و آمرزش دور شدن ، و از درگاه خداوند رانده شدن میباشد (و او شیطان است) و هیچ مومنی او را به یاد نمی آورد مگر با لعن و نفرت.

حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السّلام از حضرت امام جواد علیه السّلام و او از پدران علیهم السّلام و آنها از حضرت امام سجّاد علیه السّلام روایت فرمودند که : وزی سلمان فارسی ، ابوذر غفاری را به خانه خود میهمان کرد و از میان انبان (کیسه)، تکه نان خشکی بیرون کشید و قدری آب بر آن پاشید. ابوذر گفت : چقدر خوب می شد که همراه نان ، قدری نمک هم بود !سلمان برخاست و رفت و ظرف آب خود را گرو

گذاشت و مقداری نمک تهیه کرد و آن را در مقابل ابوذر گذارد ، ابوذر از آن نمک به آن نان می پاشید و میل می کرد و می گفت : خداوند را سپاسگزارم که ما را تا این اندازه قناعت روزی فرموده : سلمان گفت : « اگر قناعت در کار بود ، ظرف آب به گرو نمی رفت » .

حضرت عبدالعظیم علیه السلام می فرماید: روزی به خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام رسیدم و این گفتار دلنشین را از امام شنیدم که فرمود: ملاقات الاخوان نشره و تلقیح للعقل و ان كان نظرا قليلا دیدار دوستان آرامش و سلامت عقل را در پی دارد، اگر چه دیداری کوتاه باشد .

روزی حضرت امام رضا علیه السلام رو به حضرت عبدالعظیم علیه السلام فرمود و چند توصیه راهگشای اخلاقی به او آموخت تا به شیعیان و یاران ابلاغ کند . متن فرمایش چنین بود : ای عبدالعظیم ، سلام مرا به دوستان برسان و به آنها بگو :
* شیطان را به دلهای خویش راه ندهند .

* درگفتار خویش ، راستگو باشند و امانت را ادا کنند.

* از جدال و نزاع بیهوده ای که سودی برایشان ندارد دوری کنند و خاموشی را پیشه خود سازند .

* به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند « فان ذلک قربه الیّ » زیرا اینکار موجب نزدیکی به من است .

* آنان خود را به دشمنی و بدگویی با یکدیگر مشغول ن سازند ، زیرا با خود عهد کرده
ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد و دوستی از دوستانم را ناراحت کند یا به خشم
آورد ، خداوند را بخوانم تا او را درد دنیا با شدیدترین عذابها مجازات کند و در آن سرا
نیز از زیانکاران خواهد بود.

* به ایشان بگو : همانا پروردگار نیکوکارانشان را آمرزیده و از خطای گنهکارانشان
در گذشته است ، مگر کسانی که به خدا شرک ورزیده یا دوستی از دوستانم را آزرده ،
یا کینه آنها را با دل بگیرد . بدرستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار
ناشایست خویش دست بکشد ، هر گاه از این اعمال نادرست دوری گزیند ، آمرزش
خدا را شامل خود گردانیده است و گرنه ، روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از ولایت
ماخارج گشته است و بهره ای از ولایت ما نخواهد برد « و اعوذبک من ذلک »

روزی حضرت عبدالعظیم علیه السلام از حضرت امام هادی علیه السلام شنید که
فرمود : همانا پروردگار ، ابراهیم را دوست خود گرفت ، زیرا که او بر حضرت محمد
صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش علیهم السلام بسیار صلوات می فرستاد.

حضرت عبدالعظیم علیه السلام می فرماید : روزی در محضر مبارک امام جواد علیه
السلام بودم . عرض کردم : ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی از
پدران بزرگوارت علیهم السلام برای من روایت فرمائید . حضرت امام جواد علیه

السّلام فرمود : پدرم علیه السّلام از جدّم علیه السّلام و او از پدرانّش علیهم السّلام و

آنان از حضرت امیرمؤمنان علیه السّلام روایت کرده اند که فرمود :

*هر کس خود را بی نیاز بداند (در امور مهم بدون مشورت عمل کند) خود را
در خطر افکنده است .

*هر کس در دام خودبینی افتاد ، نابود خواهد شد.

*هر کس یقین کند آنچه را می دهد عوض دارد هرگز در بخشش و احسان کوتاهی
نخواهد کرد .

حضرت عبدالعظیم علیه السّلام روایت فرماید که حضرت امام جواد علیه السّلام
فرمود:

که وجود مقدّس حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السّلام فرمود :ارزش هر
کس به اندازه اعمال نیکوی اوست .

حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام به محمّد بن مسلم فرمود :مردم تو را گول زنند ،
زیرا که مسئولیت کارهای تو ، به خودت متوجّه است و به آنها ارتباط ندارد ، ایّام

عمرت را به کارهای بیهوده نگذران ، روزهای زندگی را به چون و چرا به هدرمده ،
زیرا همراه تو کسانی هستند که کارهای روزانه تو را محاسبه و یادداشت می کنند . اگر

عمل نیکی را انجام دادی ، گرچه کوچک باشد ، حقیر مشمار ، برای اینکه آن را
خواهی دید در جایی که تو را خشنود سازد ، و اگر کار بدی انجام دادی ، آن را نیز

کوچک مشمار زیرا که به تو خواهد رسید در هنگامی که تو را بدحال سازد ، و نیکی کن ، بدرستی که من چیزی را ندیدم که انسان را از زودتر به مقصد رساند از عمل خوب تازه ای که در مقابل گناه کهنه ای انجام دهد .

حضرت عبدالعظیم علیه السلام روایت فرماید که روزی به وجود مقدس حضرت امام جواد علیه السلام عرض کردم : ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی از پدران بزرگوارت علیهم السلام برای من روایت فرمائید . حضرت امام جواد علیه السلام از قول پدر وجد و از وجود مقدس حضرت امیر المومنین علیهم السلام روایت فرمود که :

المرء مخبوءٌ تحت لسانه.

دانش و شخصیت هر کس در زیر زبانش مخفی است .

ما هلك امرء عرف قدره.

هر کس قدر خود را بشناسد ، هلاک نمی شود .

التدبير قبل العمل يومنك من الندم

تدبیر و اندیشیدن پیش از انجام هر کار ، تو را از پشیمانی نگه می دارد .